

## پیام هفدهمین کنفرانس سازمان فدائیان (اقلیت) به کارگران و زحمتکشان، زنان و جوانان

کارگران، زحمتکشان، زنان و جوانان!

هفدهمین کنفرانس سازمان در شرایطی برگزار شد که جامعه در یک دوران انقلابی بسر می‌برد و طبقه کارگر ایران با برافراشتن پرچم "نان کار آزادی اداره شورایی" آلترناتیو انقلابی خود را پیشروی جامعه و اقشار گوناگون زحمتکش جامعه برای برون رفت از شرایط وخامت‌بار کنونی قرار داده است.



در کنفرانس شانزدهم (که در شهریور ۹۶ برگزار شد) ما با تحلیل شرایط مشخص جامعه به این نتیجه رسیده بودیم که جامعه در ماه‌های آینده با یک بحران انقلابی روبرو خواهد شد. چهار ماه بعد، اعتراضات توده‌ای حداقل ۱۶۰ شهر

بزرگ و کوچک را فرا گرفت، بیش از ۵۰۰۰ نفر دستگیر شدند و ده‌ها نفر در خیابان‌ها و یا زندان‌های رژیم جمهوری اسلامی جان خود را از دست دادند. در این اعتراضات که بسیاری از مکان‌های سرکوب و تحمیق مذهبی - که به شدت مورد تنفر توده‌ها هستند - مورد حمله تظاهرکنندگان قرار گرفت و نیروی عمده خود را از جوانان بیکار می‌گرفت، شعارهای متعددی همچون "مرگ بر جمهوری اسلامی"، "مرگ بر دیکتاتور"، "مرگ بر خامنه‌ای"، "مرگ بر روحانی" و "اصلاح‌طلب، اصولگرا، دیگه تموم ماجرا" سر داده شد. اما در این میان یکی از شعارهای تظاهرکنندگان دی‌ماه ۹۶ بعدتر و در مسیر رشد جنبش انقلابی اهمیت فراوانی یافت و آن شعار "نان کار آزادی" بود.

در این مرحله اگرچه توده‌ها در اعتراضات خود خواستار سرنگونی جمهوری اسلامی شده، پایان توهم به اصلاح‌طلبان حکومتی را اعلام و خواست‌های خود یعنی نان، کار و آزادی را با صدای رسا فریاد زدند، اما هنوز این‌که چه چیزی باید جایگزین جمهوری اسلامی شود، در شعارهای‌شان روشن نبود.

ده ماه بعد کارگران مبارز هفت‌تپه، در جریان اعتصاب پرشکوه خود به این سوال پاسخ دادند. پاسخی که برخاسته از تجربه‌ی مستقیم و عینی کارگران بود. کارگران هفت‌تپه که پیش از این خواستار نظارت شورای مستقل کارگران بر تمامی امور کارخانه برای حل معضلات هفت‌تپه شده بودند، در تداوم مبارزه خود با شعار "نان کار آزادی، اداره شورایی" پرچمی را برافراشتند که دیگر بر زمین افتادنی نبود. این شعار کارگران هفت‌تپه به دلیل آن‌که جامعه به دنبال راه حلی برای برون رفت از شرایط کنونی بود، به سرعت از سوی سایر کارگران، و همچنین دیگر اقشار زحمتکش جامعه همچون بازنشستگان و معلمان پذیرفته شد و دانشجویان با شعار "فرزند کارگرانیم، کنارشان می‌مانیم"، پرچم سرخ "نان کار آزادی، اداره شورایی" را بر دوش گرفتند. خیابان‌ها با شعار "نان کار آزادی" و "نان کار آزادی، اداره شورایی" آذین یافتند، شعارهایی که فراگیر شدن‌شان، جنبش انقلابی توده‌ها را فرسنگ‌ها به پیش راند.

کارگران مبارز ایران!

مبارزات شما از سویی رژیم ارتجاعی سرمایه‌داری جمهوری اسلامی را به وحشت انداخته و از سوی دیگر روشنایی‌بخش جنبش انقلابی توده‌های ستم‌دیده جامعه شده و امید را در دل‌ها بارور ساخته است. پرچمی که در هفت‌تپه برافراشته شد، به‌رغم تمام فشارهای سرکوب‌گرانه رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی، سراسر ایران را در نوردید و به گامی مهم و ارزشمند برای تحقق آرزوها و آمال کارگران و زحمتکشان جامعه تبدیل گردید.

اما این تنها کارگران هفت‌تپه نبودند. مبارزات قهرمانانه کارگران فولاد اهواز نیز یک پرده افتخارآمیز دیگر از مبارزات کارگران ایران در سال گذشته بود. کارگران مبارز هپکو، پتروشیمی، نفت، راه‌آهن، مخابرات، برق، معادن و دیگر کارگران ایران در صنایع مختلف بارها با تجمعات و اعتصابات خود، به نظم موجود اعتراض

کردند. در یک نگاه کلی اعتراضات کارگران در سالهای اخیر از نظر کمی و کیفی به رشد خود ادامه داده است.

گسترش کمی و ارتقاء کیفی مبارزات کارگران در حالیست که سرمایه‌داران و رژیم حامی آنها از هر ابزاری برای جلوگیری از گسترش اعتراضات کارگری استفاده کرده‌اند. اخراج و بویژه اخراج نمایندگان کارگران تنها یک حيله آنهاست، آن هم در شرایطی که وجود میلیون‌ها بیکار، قراردادهای موقت و فقر همواره تهدیدی برای کارگرانیست که برای احقاق حقوق خود دست به اعتراض می‌زنند.

تلاش برای ایجاد تشکلهای وابسته و یا زرد و سرکوب تشکلهای واقعی کارگری و به زنجیر کشیدن نمایندگان کارگران از حيله‌های دیگر رژیم هستند تا بتواند از اتحاد کارگران که به شدت از آن هراسان است، جلوگیری کند.

## رفقای کارگر!

ترس رژیم از مبارزات شما و گسترش آن را می‌توان به‌خوبی در محاکمه کارگران هفت‌تپه و حامیان آنها و محاکمه شرکت‌کنندگان در مراسم روز جهانی کارگر و صدور احکام سنگین علیه آنها دید.

محاکمه جمعی از کارگران هفت‌تپه، دستگیری و محاکمه اسماعیل بخشی و علی نجاتی دو تن از کارگران مبارز هفت‌تپه، دستگیری تعدادی از حامیان کارگران هفت‌تپه همچون سپیده قلیان، عسل محمدی، امیر امیرقلی، ساناز اللهیاری، امیرحسین محمدی فرد، هیراد پیردافی، رهام یگانه، فرید لطف‌آبادی، و نیز دستگیری و محاکمه تعدادی از شرکت‌کنندگان در مراسم روز جهانی کارگر که هنوز سه تن از آنها مرضیه امیری، عاطفه رنگریز و ندا ناجی در زندان هستند و صدور احکام سنگین و ظالمانه علیه آنها همچون صدور حکم ۵ سال زندان برای حسن سعیدی عضو سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه و صدور حکم ده سال و نیم زندان و ۱۴۸ ضربه شلاق برای مرضیه امیری هرگز نشانه اقتدار رژیم نیست. این نشانه وحشت رژیم است که گمان می‌برد با تشدید سرکوب می‌تواند فریاد بلند کارگران را خاموش سازد. اما تداوم مبارزات، مبارزاتی که نه تنها خاموشی نمی‌گیرد بلکه در مسیر خود تنها شعله‌ورتر شده است، نشان داد که این جنبش قصد ایستادن ندارد.

شرایط عینی جامعه و تجربه کارگران و دیگر زحمتکشان از مبارزات و اعتراضات خود، همدلی و اتحاد را در بین کلیه زحمتکشان و ستم‌دیدگان جامعه گسترش داد که اعتراضات متعدد بازنشستگان و حمایت‌های آنها از کارگران و معلمان یک نمونه آن است.

## بازنشستگان مبارز و حق‌طلب!

اعتراضات متعدد شما در دوره اخیر و اعلام همبستگی‌تان با کارگران، معلمان، پرستاران و جوانان با شعارهایی چون "کارگر، معلم، پرستار، دانشجو، اتحاد اتحاد" و سردادن شعارهایی چون "نان، کار، آزادی"، بیان‌گر یک نیاز و یک واقعیت در زندگی امروز بازنشستگان است. بازنشستگانی که امروز اکثریت بسیار بزرگ آنها در زیر خط فقر زندگی می‌کنند. بازنشستگانی که از امکانات درمانی مناسب محروم هستند. بازنشستگانی که به ماهیت مناسبات حاکم و رژیم سیاسی حامی آن پی برده و راه‌هایی را در اتحاد کلیه کارگران و زحمتکشان می‌بینند. بدون تردید یکی از نیازهای ضروری بازنشستگان در شرایط کنونی تشکل است، موضوعی آن‌چنان ملموس که در حرکت‌های اخیر بازنشستگان، ضرورت ایجاد یک تشکل واقعی سراسری بازتاب داشته است.

## معلمان مبارز و آگاه!

همگام با پیشرفت جنبش انقلابی توده‌های مردم ایران و به دور ریخته شدن توهم اصلاح‌طلبی، جنبش اعتراضی معلمان ایران نیز گام‌های مهمی به پیش نهاد. اعتصابات سراسری سال گذشته تحصیلی یک نقطه عطف در مبارزات معلمان ایران بود که توانست تعداد قابل توجهی از معلمان را به میدان عمل وارد کند. تهدید، دستگیری، اخراج و حتا زندان و صدور احکام ظالمانه علیه معلمان مبارزی همچون حبیبی نیز بیش از پیش ماهیت فریبکارانه و سرکوبگر رژیم را برای معلمان ایران آشکار ساخت. معلمان و بویژه بخش پیشروتر آنها به خوبی دریافته‌اند که رژیم جمهوری اسلامی نه تنها "اصلاح‌پذیر" نبوده و نخواهد بود، بلکه مانع عمده‌ای بر سر راه تحقق خواست‌های بر حق معلمان، از خواست‌های ویژه و معیشتی آنها گرفته تا آموزش رایگان و با کیفیت برای همه کودکان می‌باشد.

## دانشجویان و جوانان مبارز!

در سالی که گذشت دانشجویان با حمایت از مبارزات کارگران و دیگر جنبش‌های اجتماعی و با سر دادن شعارهایی همچون "اصلاح‌طلب، اصولگرا دیگه تموم ماجرا"، "نان کار آزادی"، "فرزند کارگرانیم کنارشان می‌مانیم" و "نان کار آزادی اداره شورایی" نقش مهمی در فراگیر شدن شعارها و مطالبات برحق توده‌های کارگر و زحمتکش جامعه داشتند. توسعه جهت‌گیری رادیکال در اعتراضات دانشجویی و حمایت از مطالبات زنان از دیگر جنبه‌های مهم مبارزات دانشجویان در سال گذشته بود، آنها هم در شرایطی که رژیم جمهوری اسلامی با گسیل نیروهای خودی به دانشگاه‌ها در چهره دانشجوی و استاد و با استفاده از ابزارهای همچون حراست سعی داشته و دارد تا جو دانشگاه‌ها را به کنترل خود درآورد. اما در دانشگاه‌ها نیز همچون دیگر عرصه‌ها، رژیم نتوانست مانع مبارزات دانشجویان و بویژه گسترش رادیکالیسم شود به گونه‌ای که بارها مجبور شد تا به حضور "کمونیست‌ها" در دانشگاه‌ها اعتراف کند.

واقعیت این است که دانشجویان و جوانان جامعه یک نیروی بسیار با اهمیت در جنبش انقلابی کارگران و زحمتکشان هستند. مبارزات دو سال گذشته از دی‌ماه ۹۶ تا امروز نیز گواه این مساله است. تنها نظری به تعداد دانشجویان و جوانانی که امروز در بند رژیم هستند، نقش و اهمیت آنها را آشکار می‌سازد.

## زنان مبارز!

سال‌ها ستم قرون وسطایی بر زنان جامعه، خشم و طغیان آنها را برانگیخته و از آنان نیرویی سرشار از مبارزه ساخته است. نیرویی که رژیم را در عرصه‌های مختلف به شکست کشانده که یکی از برجسته‌ترین نمونه‌های آن حجاب است. رژیم مذهبی جمهوری اسلامی که با زور و سرکوب سعی داشت حجاب را بر سر زنان ایران ابدی سازد از زنان ایران شکستی مفتضحانه خورد. مبارزه با حجاب اجباری تنها مبارزه برای حق انتخاب پوشش نیست، مبارزه با مذهبی‌ست که زنان را جنس دوم می‌خواند و حجاب یک نماد مهم و اساسی برای این مذهب است.

اگر تا چند سال پیش زنان "اصلاح‌طلب" با طرح خواست‌هایی آنچنان جزئی سعی داشتند مطالبات زنان را به بیراهه برند اما امروز و با پیشرفت جنبش انقلابی، نه تنها این گروه از زنان بورژوا کاملاً منزوی شده‌اند، بلکه زنان مبارزی پا به میدان مبارزه رادیکال گذاشته‌اند که در بسیاری از مبارزات و جنبش‌های اجتماعی به نیرویی پیش‌تاز تبدیل شده‌اند. از مبارزات بازنشستگان، تا دانشجویان و معلمان همه‌جا حضور زنان بارز است. تجمع اعتراضی معلمان در اصفهان یک نمونه است که بیش از ۹۰ درصدشان معلمان زن بودند.

از همین روست که رژیم ضد زن جمهوری اسلامی در سال گذشته بیشترین فشار را بر روی زنان مبارز آورده است. دستگیری زنان مبارزی که به دفاع از کارگران هفت‌تپه برخاسته بودند، دستگیری دانشجویان زن مبارز و صدور احکام سنگین زندان علیه آنها، و بالاخره بازداشت و صدور احکام سنگین علیه زنانی که در تجمع اول ماه مه حضور داشتند، همگی بیان‌گر نفرت و در عین حال ترس رژیم از زنانی‌ست که برای آزادی و ایجاد جامعه‌ای نوین که هیچ تبعیضی بین زنان و مردان وجود نداشته باشد، مبارزه می‌کنند.

کارگران، زحمتکشان، زنان و جوانان!

دو سالی که گذشت تجارب گران‌بهایی در برداشت، تجاربی که در شعارها، پلاکاردها و در اشکال اعتراضی شما نیز انعکاس یافتند. اعتصابات سراسری رانندگان کامیون یک نمونه است و اعتصابات سراسری معلمان نمونه‌ای دیگر. از این تجارب بویژه در سالی که گذشت فراوان هستند. به بار نشستن اتحاد در عمل در عرصه‌هایی نتیجه‌ی یکی از این تجارب گران‌بهاست. نه تنها اتحاد در یک گروه و صنف بلکه ضرورت اتحاد کلیه کارگران، زحمتکشان و ستم‌دیدگان جامعه در برابر جمهوری اسلامی و نظام سرمایه‌داری حاکم امروز در برابر چشمان همگان قرار دارد.

رژیم جمهوری اسلامی سعی دارد تا با سرکوب و بهره‌گیری از اختلافات منطقه‌ای خود و این‌که مثلاً "در جنگ اقتصادی هستیم"، مانع گسترش مبارزات توده‌ها شود. مبارزاتی که بر بستر عینی شرایط جامعه شکل گرفته‌اند. اما واقعیت مهم و از لحاظی مهم‌ترین واقعیت این است که تا زمانی که جمهوری اسلامی به بقای خود ادامه دهد، این شرایط روز به روز بدتر خواهد شد.

رژیم جمهوری اسلامی به انتهای خط رسیده است. این یک امر روشن است. شکاف عمیق طبقاتی که در کمتر کشوری می‌توان دید، فساد که در دنیا اگر نگوییم بی‌نظیر حداقل کم‌نظیر است، همه‌بیان‌گر اوج بحران‌های لاینحل نظام سرمایه‌داری حاکم و رژیم سیاسی آن است. در کجای دنیا امروز می‌توان دید که گندم را با فضولات حیوانی درهم آمیزند و برای پخت نان از آن استفاده کنند؟! این‌ها نشانه‌ی فروپاشی این نظام هستند که کثافت همه‌جای آن را فرا گرفته است، نظامی که یک روز قائم مقام شهردار تهران، روز دیگر معاون اطلاعات سپاه، روز دیگر معاون بانک مرکزی، روز دیگر معاون قوه قضاییه و روز دیگر دو نماینده مجلس و مدیران عامل بزرگ‌ترین خودروسازی‌ها به جرم فساد دستگیر می‌شوند، در حالی که نه فقط دستگیرشدگان بلکه دستگیرکنندگان نیز همه غرق در فساد هستند. کشتی جمهوری اسلامی به گل نشسته و سرنوشتی جز نابودی ندارد. اما تنها زمانی مرگ جمهوری اسلامی با یک زندگی بهتر برای کلیه کارگران و زحمتکشان همراه خواهد شد که کارگران و زحمتکشان با اتحاد و مبارزه، با برپایی اعتصابات سرتاسری و در نهایت قیام مسلحانه این رژیم را برانداخته و خود قدرت را در دست بگیرند.

کارگران، زحمتکشان، زنان و جوانان!

رهایی از این شرایط و بحران کنونی تنها یک راه حل دارد: راه حل انقلابی. هرگونه تلاش برای ایجاد توهم به امپریالیست‌ها و هرگونه تلاش برای ایجاد توهم به اشکال دیگری از جمهوری اسلامی تنها برای نجات این نظام و سیستمی است که زندگی شما را تا امروز فنا کرده است. با ایجاد تشکل‌های مخفی، نیمه مخفی و علنی، با گسترش مبارزات و بالاخره با اعتصاب سراسری سیاسی و قیام مسلحانه رژیم جمهوری اسلامی را برانداخته و با برقراری حکومت شورایی قدرت را در دست بگیرید.

**کنفرانس هفدهم سازمان فدائیان (اقلیت)**

**سرنگون بادرژیم جمهوری اسلامی- برقراربادحکومت شورایی**

**زنده بادآزادی- زنده بادسوسیالیسم**

مرداد ۱۳۹۸